جلسات شرح و تفسیر

حجت الاسلام و المسلمین استاد
محمدجواد حاج علی اکبری

موضوع:

جلسه دوازدهم دعای ۵۴ (رفع غم و اندوه)
جلسه ۲۴۴ شرح دعای صحیفه سجادیه

۱۳۹۸/ ۰۵/ ۲۸

فهرست

- ترسیم دورنمای جامعه‌ی علوی
- رابطه‌ی بین تعاون بر برّ و تقوا، و ولایت علوی
- انجام‌دهنده‌ی کار نیک، از کار نیک بالاتر و مهم‌تر است
- انواع برّ
  - ۱و۲. ایمان و بخشندگی
  - ۳. نماز
  - ٤. زکات
  - ٥. وفای به عهد
  - ٦. شکیبایی
  - ۷و۸. صداقت و تقوا
- از آیات ساده‌ی قرآن به‌سادگی عبور نکنید
- هر کاری راهی دارد
- بی‌ثباتی و غریزه‌های نفسانی، دو آفت نسل جوان
- شرط پیش‌برنده بودن نظم اجتماعی
- ولایت فقیه، نسخه‌ی غدیر در عصر غیبت
- فاطمه، آشکارکننده‌ی حقیقت ولایت علی

بسم الله الرحمن الرحیم

خدای متعال را شاکریم که به جمع ما توفیق داد در ماه ذی‌الحجه ۱۴۴۰ به شب عیدالله‌الاکبر برسیم. خدای متعال از برکات این شب بسیار بزرگ و روز باعظمت در پیش، همه‌ی ما و همه‌ی دوستان امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) را در سراسر عالم بهره‌ی وافر کرامت بفرماید.

خدای متعال را شاکریم که مثل خیلی اوقات، جلسه‌ی ما با مناسبت‌های بزرگ و عزیز مقارن شده و امسال هم به طور طبیعی، جلسه‌ی ما با شب عید سعید غدیر خم مقارن است. ان‌شاءالله از عنایات ویژه‌ی مولایمان حضرت علی ابن الحسین، سیدالساجدین (علیه‌السلام) بهره‌مند باشیم.

چند نکته به مناسبت این عید بزرگ عرض می‌کنم.

ترسیم دورنمای جامعه‌ی علوی

از تلاوت کاملاً مرتبط با مناسبت بهره‌مند شدیم. آقای زمانی آیه‌ی «**الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي**؛[۱] امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم» را زیبا و دلنشین تلاوت کردند. این آیه که با غدیر مرتبط است، مبنایی را مطرح می‌کند که عزیزان باید دوباره به این مبنا توجه کنند. مطلب، بسیار عالی و با چینش فوق‌العاده بدیع است. آن مطلب عبارت است از اینکه خدای متعال، جامعه را به تعاون بر برّ و تقوا دعوت می‌کند: «**تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى**؛[۲] در نیکوکاری و پرهیزگاری با یکدیگر همکاری کنید». البته بلافاصله می‌فرماید: «**وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ**؛ و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید». جالب است که بعد از آن می‌فرماید: «**إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ**؛ خدا سخت‌کیفر است». گویا این آیه دورنما و افق جامعه‌ی

علوی را که مبتنی بر ولایت الهی سازماندهی می‌شود، به ما نشان می‌دهد. جلوتر می‌رویم و سخن از آن روز بزرگی به میان می‌آید که دین کامل شد و نعمت تمام شد و اسلام مورد پسند خدای متعال قرار گرفت.

جزء مسلّمات است که این روز همان روز اعلام ولایت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) است.[۳]

رابطه‌ی بین تعاون بر برّ و تقوا، و ولایت علوی

چه نسبتی بین تعاون بر برّ و تقوا و خودِ تقوا و عیدالله‌الاکبر (غدیر) و اعلام ولایت ولی الهی است؟ چند جمله در این زمینه خدمت عزیزان عرض کنم تا نگاهی دقیق‌تر به مسئله‌ی ولایت الهی و تجلی اجتماعی آن که حکومت اسلامی است، داشته باشیم.

اساساً سازماندهی اجتماعی، یعنی شکل‌گیری ارتباط بین انسان‌ها و نهادهای اجتماعی و مدنیت انسانی که به تحقق جامعه‌ی انسانی می‌انجامد، می‌تواند پیش‌برنده و تسهیل‌کننده یا کاهنده و متوقف‌کننده‌ی کمال انسان و حتی گاهی قهقرایی باشد. بر اساس هندسه‌ی قرآنی و مهندسی حضرت حق، آن جامعه و آن نظم اجتماعی و آن تعاون اجتماعی که خدای متعال می‌پسندد و پیش‌برنده است، آن نظم و تعاون و ارتباطی است که بر قاعده‌ی اطاعت از حضرت حق استوار باشد؛ یعنی قرارِ جامعه، بر بندگی باشد. اگر قرارِ جامعه و همکاری جامعه و ارتباطِ آنها با یکدیگر ـ چه به صورت ارتباط افراد با یکدیگر یا گروه‌ها با یکدیگر یا نهادها با یکدیگر ـ بر مدار بندگی حق قرار گیرد و همه‌ی این ظرفیت‌ها برای بندگی به یکدیگر پیوند خورد، این نظم اجتماعی، بالنده و پیش‌برنده و کمال‌آفرین خواهد بود. ما از این هویت الهی با دو کلمه‌ی فوق‌العاده دلنشینِ

«بـــرّ» و «تقـــوا» یـــاد می‌کنیـــم.

انجام‌دهنده‌ی کار نیک، از کار نیک بالاتر و مهم‌تر است

کلمـــه‌ی بـــرّ، از کلمـــات بســـیار خوش‌ســـاختی اســـت کـــه هـــر نـــوع خوبـــی و اقـــدام مـــورد تحســـین و مـــورد پســـند عقـــل را کـــه بـــرای حیـــات انســـان ضـــروری اســـت، در بـــر می‌گیـــرد. مـــا در فارســـی بـــه آن نیکـــی می‌گوییـــم. بـــه انجام‌دهنـــده‌ی آن بـــارّ می‌گوینـــد و اگـــر خیلـــی باشـــد، بَـــرّ می‌گوینـــد.

قـــرآن در مـــورد بـــرّ می‌گویـــد: «**لَيْـــسَ الْبِـــرَّ أَنْ تُوَلُّـــوا وُجُوهَكُـــمْ قِبَـــلَ الْمَشْـــرِقِ وَالْمَغْـــرِبِ**؛[٤] نیکـــوکاری آن نیســـت کـــه روی خـــود را بـــه ســـوی مشـــرق و [یـــا] مغـــرب بگردانیـــد». بـــرّ آن نیســـت کـــه شـــما بـــه دنبـــال آن در افـــق جغرافیا باشـــید. در ایـــن آیـــه خـــدای متعـــال نیکویی را بـــا نیکـــوکاری معرفـــی می‌فرمایـــد و می‌گویـــد: «**وَلَكِـــنَّ الْبِـــرَّ مَـــنْ آمَـــنَ بِـــاللهِ وَالْيَـــوْمِ الآخِـــرِ وَالْمَلائِكَـــةِ وَالْكِتَـــابِ وَالنَّبِيِّـــينَ وَآتَـــى الْمَـــالَ عَلَـــى حُبِّـــهِ ذَوِي الْقُرْبَـــى وَالْيَتَامَـــى وَالْمَسَـــاكِينَ وَابْـــنَ السَّـــبِيلِ وَالسَّـــائِلِينَ وَفِـــي الرِّقَـــابِ**؛[٥] بلکـــه نیکـــی آن اســـت کـــه کســـی بـــه خـــدا و روز بازپســـین و فرشـــتگان و کتـــاب [آســـمانی] و پیامبـــران ایمـــان آورد و مـــال [خـــود] را بـــا وجـــود دوســـت داشـــتنش بـــه خویشـــاوندان و یتیمـــان و بینوایـــان و در راه‌مانـــدگان و گدایان و در [راه آزاد کـــردن] بنـــدگان بدهد».

شـــما حقیقـــتِ نیکـــی را در وجـــود عامـــل آن و انســـان نیکـــوکار ببینیـــد و همیشـــه ســـراغ تمثّل‌یافتـــه‌ی نیکـــی برویـــد. ایـــن نیکویـــی وقتـــی در وجـــود کســـی تجلـــی پیـــدا کـــرد، این‌گونـــه صـــادر می‌شـــود کـــه بـــه خـــدای متعـــال، قیامـــت، ملائکـــه، کتـــاب آســـمانی و همـــه‌ی پیامبـــران ایمـــان آورده باشـــد و در کنـــار آن دســـت بـــه جیـــب باشـــد و بخشـــندگی و دهـــش داشـــته باشـــد و مـــال خـــود را بـــا تفصیـــل موجـــود در آیـــه، در حالـــی کـــه آن را لازم دارد، بـــه یتیـــم و مســـکین و ... بدهـــد.

انواع برّ

۱و۲. ایمان و بخشندگی

«**عَلَـی حُبِّـه**» همان‌طـور کـه در آیـه‌ی «**وَيُطْعِمُـونَ الطَّعَـامَ عَلَـی حُبِّـهِ**...؛[٦] و بـه [پـاس] دوسـتی [خـدا] خـوراک می‌دادنـد...»، دو نـوع معنـا می‌شـود، اینجـا هـم دو نـوع معنـا می‌شـود. در آن آیـه چـون پـای اولیـای کامـل مطـرح اسـت، «**عَلَـی حُبِّـه**» را «**عَلَـی حُـبِّ الله**» معنـا می‌کننـد. گرچـه برخـی مفسـران می‌گوینـد آنجـا هـم «**عَلَـی حُـبِّ الطَّعـام**» اسـت؛ ولـی چـون سـاحت قـدس اولیـا از ایـن معنـا دور اسـت، «**عَلَـی حُـبِّ الله**» گفته‌انـد. امـا اینجـا بیشـتر بـه معنـای «**حـبّ المـال**» اسـت و بـه ایـن معنـا اسـت کـه بـا آنکـه خـود لازم دارنـد، بـه خویشـاوندان نیازمنـد خـود، یتیمـان، مسـاکین (کسـانی کـه دچـار فقـر پیشـرفته هسـتند)، درراه‌مانـدگان، سـائلین (کسـانی کـه خودشـان بـرای کمـک مراجعـه می‌کننـد) و کسـانی کـه در بنـد هسـتند، کمـک می‌کننـد.

۳. نماز

در کنـار ایـن دو مـورد (ایمـان و ایتـای امـوال)، سـومین تجلـی بـرّ ایـن اسـت کـه اهـل نمـاز و اقامه‌کننـده‌ی نمـاز هسـتند.

٤. زکات

چهارمیـن مـورد ایـن اسـت کـه اهـل پرداخـت زکات هسـتند. زکات، بـه بخـش واجـب و حقـوق مالـی واجـب اشـاره دارد، و بخـش اول (ایتـای امـوال) بـه پرداخت‌هـای مسـتحب. برخـی در بخـش مسـتحبات گـوش بـه فرمان هسـتند؛ امـا وقتـی نوبـت بـه واجباتشـان می‌رسـد، اهـل پرداخـت نیسـتند. مثـلاً در پرداخـت خمـس یـا زکات کوتاهـی می‌کننـد، امـا بـه یتیـم کمـک می‌کننـد. هـر یـک از اینهـا جـای خـود را دارد و اگـر شـما میلیون‌هـا تومـان بـه ذوی القربـی و ایتـام و مسـاکین کمـک کنیـد، بـه هیـچ وجـه جـای خمـس و زکات و حقـوق واجـب شـما را نمی‌گیـرد.

۵. وفای به عهد

پنجمین مورد وفای به عهد است: «**وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا**؛ چون عهد بندند، به عهد خود وفادار هستند». «**موفون**» یعنی چیزی کم نمی‌گذارند و در هر پیمانی، در اوج وفا هستند؛ خواه ازدواج باشد یا اجاره یا قرارداد اداری یا هر کار دیگری.

٦. شکیبایی

ششمین مورد «**وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ**؛ و در سختی و زیان و به هنگام جنگ شکیبایانند» است که به معنای صبر در انواع و اقسام مشکلات، هم در زمانی که در متن دشواری‌ها هستند و هم بعد از آن و در ضررها و سختی‌ها است.

۷و۸. صداقت و تقوا

در پایان می‌فرماید: «**أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ**؛ آنانند کسانی که راست گفته اند و آنان همان پرهیزگارانند». اینها راست می‌گویند و اهل تقوای حقیقی همین گروه هستند.

ابتدای آیه که فرمود: «**لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ**؛ نیکوکاری آن نیست که روی خود را به سوی مشرق و [یا] مغرب بگردانید»، به این معنا است که خیلی خودتان را به راست و چپ و این جناح و آن جناح و این گروه و آن گروه متمایل نکنید و خودتان را در صراط مستقیم حضرت حق که ایمان و عمل است، قرار دهید.

از آیات ساده‌ی قرآن به‌سادگی عبور نکنید

آیه‌ی «**لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ**؛[۷] هرگز به نیکوکاری نخواهید رسید تا از آنچه دوست دارید انفاق کنید»، از آیاتی است که کلمه‌ی برّ در آن آمده است. به حقیقت برّ نمی‌رسید مگر آنکه اهل ایثار باشید. یادتان باشد که حرف «**لَن**»، به معنای نفی ابد است.

آیه‌ای دیگر در مورد برّ می‌فرماید: «**لَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ**؛[۸] نیکی آن نیست که از پشت خانه‌ها درآیید، بلکه نیکی آن است که کسی تقوا پیشه کند و به خانه‌ها از در [ورودی] آنها درآیید و از خدا بترسید. باشد که رستگار گردید». اینجا هم بعد از معرفی برّ باز از تقوا سخن می‌گوید.

این آیه می‌گوید برّ و نیکی آن نیست که وقتی می‌خواهید وارد خانه‌ها شوید، از دیوار یا پشت‌بام وارد شوید؛ بلکه برّ متجلی در کسی است که اهل تقوا است، حریم حق را می‌شناسد و رعایت می‌کند و به هر خانه‌ای از درش وارد می‌شود.

این مطلب را همه‌ی افراد متوسط درک می‌کنند؛ ولی آیه با این‌همه مقدمات و یادآوری تقوای الهی و ...، معنای مهم‌تری دارد. هر جا در قرآن مطلب خیلی ساده می‌شود، همان‌جا است که رازها آشکار می‌شود؛ لذا از کنار آن نگذرید. من به جمعی از دوستان در مورد همین آیه گفتم که من برای شما اثبات می‌کنم که همه‌ی ما در حال ورود از پشت‌بام هستیم؛ مثلاً در مسئله‌ی تربیت فرزند، آیا ما از راه‌هایش استفاده می‌کنیم؟! راهش این است که: «**أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا أَدَبَهُمْ**؛[۹] فرزندانتان را گرامی دارید و خوب تربیت کنید». در روابط اجتماعی، و روابط حکومت و مردم، و در مناسبات بین همسایه‌ها و ... همه‌ی ما داریم از روی دیوار و پشت‌بام وارد می‌شویم.

هر کاری راهی دارد

عبارت «**وَاتَّقُوا اللَّهَ**» تأکید بر این است که هر کاری باید با راه و روش مناسب خودش انجام شود. یک معنای فنی و لطیف در اینجا نهفته هست که با این

حدیث، روشن می‌شود: «**أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا، فَمَنْ أَرَادَ الْمَدِينَةَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ**؛[۱۰] من شهر دانش هستم و علی دروازه‌ی آن است. هر کس دانش می‌جوید، باید از آن دروازه وارد شود». اگر کسی می‌خواهد وارد محیط نبوت شود، راهی جز طریق ولایت ندارد. شما از طریق دومی و سومی و ... نمی‌توانید وارد شوید و به مقصد نمی‌رسید. یک راه بیشتر ندارد و آن امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) است.

بی‌ثباتی و غریزه‌های نفسانی، دو آفت نسل جوان

در آیاتی که خواندیم، همیشه برّ با بارّ معرفی شد؛ یعنی جنبه‌ی فاعلی مسئله مورد نظر است که چه کسی و با چه انگیزه‌ای و با چه مبنا و مختصاتی کار را انجام می‌دهد. وقتی دست ایمان و عمل به هم می‌رسد، نتیجه‌اش برّ می‌شود.

اطراف شما پر از راه‌های انحرافی و سبل متفرقه است. قرآن می‌فرماید: «**وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ**؛[۱۱] و [بدانید] این است راه راست من. پس، از آن پیروی کنید و از راه‌ها[ی دیگر] که شما را از راه وی پراکنده می‌سازد، پیروی مکنید». مراقب باشید راه‌های انحرافی، شما را از صراط مستقیم خارج نسازد.

هنر شما این است که خودتان را در برابر کشش‌های شرقی و غربی حفظ کنید. برای اینکه خودتان را در موقعیت برّ که همان صراط مستقیم ایمان و عمل صالح است، نگاه دارید، نیازمند نیروی فوق‌العاده هستید.

اخیراً در دیدار حضرت آقا با بچه‌های جهادی، ایشان در مورد جوان‌ها فرمودند: مسئله‌ی ثبات‌قدم مهم است. آفت‌هایی وجود دارد که باید مواظب باشیم بچه‌ها در مقابل آنها حفظ شوند؛

یکی آفت بی‌ثباتی و دیگری آفت غریزه‌های انسانی است. امروز هم محضر آقا شرفیاب بودیم، همین مسئله به مناسبتی مطرح شد. شخصی داشت در مورد فعالیتی توضیح می‌داد که آقا فرمودند: این جوان‌ها که می‌آیند، مهم آن است که بمانند. تزلزل تهدید می‌کند و شما باید راه‌های استواری و ماندگاری در صراط مستقیم را بیابید که همان تقوا است؛ لذا آنجا که می‌گوید: «**وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى**؛[۱۲] و در نیکوکاری و پرهیزگاری با یکدیگر همکاری کنید»، اکتفا نکرد و فرمود: «**وَاتَّقُوا اللَّهَ**؛ و از خدا پروا کنید». باز اکتفا نکرد و فرمود: «**إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ**؛ خدا سخت‌کیفر است». حریم بگیرید و آفت‌ها را بشناسید و خود را در مقابل آفت‌ها حفظ کنید.

شرط پیش‌برنده بودن نظم اجتماعی

حال به سؤالی که مطرح شد، برگردم. سؤال این بود که شکل‌گیری نظم اجتماعی چه هنگام پیش‌برنده است؟ پاسخ این است که وقتی جامعه برای اطاعت حق، با یکدیگر وارد تعاون شود و ارتباطات اجتماعی برای بندگی خدای متعال باشد. باید تعاون بر برّ و تقوا شکل گیرد. چه زمانی چنین چیزی ممکن است؟ تعاون به معنای به اشتراک گذاشتن فکر و عواطف و عمل است. چیزی که هیچ مورد قبول نیست، این است که نیروها بخواهند برای اثم و عدوان به یکدیگر گره بخورند. وقتی جنبه‌ی اجتماعی پیدا می‌کند، یکی از مصادیق انحراف می‌شود گناه و دیگری هم می‌شود عدوان و دشمنی و ایجاد درگیری.

هندسه‌ی الهی برای تحقق جامعه‌ی پیش‌برنده در گروی یک کلمه است و آن «**أَيْنَ جامِعُ**

الْکَلِمَـهِ عَلَـی التَّقْـوی؛[۱۳] کجا است آن‌که [مردم را] بر وحدت کلمه‌ی تقوی مجتمع سازد؟» است. فقط امام حق می‌تواند مجموعه‌ای مشتت و با آرای متفرق را در کنار هم سازماندهی کند تا به جامعه‌ی ایمانی و بهره‌مند از عمل صالح و دست‌یافته به تعاون بر برّ و تقوا برسد. آن جامع و محور و مدار که خودش مَثَل اعلای برّ و تقوا باشد تا امام المتقین شود و همه‌ی ابرار با وجود او به حقیقت برّ برسند، مورد نیاز است. اگر چنین کسی در حساس‌ترین جایگاه که جمع‌کننده‌ی اجتماعی است، قرار گیرد، شما به جامعه‌ی مطلوب دست پیدا خواهید کرد. آن جایگاه عبارت از حکومت است و هیچ چیز دیگری غیر این نیست. حکومت باید دست این جامع باشد تا هدف تحقق پیدا کند. این‌گونه است که جامعه در صراط مستقیم قرار می‌گیرید و به همین دلیل، راهی جز غدیر و علی (علیه‌السلام) وجود ندارد.

این نظریه ولایت الهی و تراز آن، علی ابن ابیطالب (علیه‌السلام) است. شرق یا غرب عالم را بروید، به علم صحیح و عمل صحیح نخواهید رسید و هیچ راهی برایتان وجود ندارد. تاریخ نشان داده است آنها که گشتند، به چیزی جز نکبت و خواری و هواپرستی و شهوترانی و استعمار و استبداد و استحمار و استثمار نرسیدند. راهی جز علی (علیه‌السلام) و آن هندسه‌ی الهی برای زیست شایسته و سعادت‌آفرین وجود ندارد. این مطلب قابل شرح و بسط است. آن جامع باید خودش عارف به نقشه‌ی برّ و تقوا باشد و خودش در قله‌ی برّ و تقوا باشد. مَثَلش علی ابن ابیطالب (علیه‌السلام) است. لذا پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در روز غدیر فرمودند تمام نقشه‌ای که من در این **۲۳** سال به شما دادم یک طرف و اینکه این نقشه نیاز به مهندس عالی دارد تا به‌خوبی آن را اجرا کند، طرف دیگر. اگر آن جامع نباشد، این کتاب

و سنت، مرضی خدای متعال نیست. لذا وقتی شخص معیّن شد، فرمود: «**الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا**؛[١٤] امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم و اسلام را برای شما [به عنوان] آیینی برگزیدم».

ولایت فقیه، نسخه‌ی غدیر در عصر غیبت

خدای متعال را شاکریم که بعد از قرن‌ها دور افتادن از نقشه‌ی غدیر و ولایت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)، این توفیق به عصر و نسل ما داده شد که نسخه‌ی عصر غیبت غدیر را اجرا کند. ولایت فقیه، سایه‌ی ولایت عظمی و نسخه‌ی عصر غیبت غدیر است. اگر روی این صراط ثابت‌قدم باشیم، به‌زودی نسخه‌ی عصر ظهور را خواهیم دید که با ظهور حضرت ولی عصر، آنچه را که حقیقت و آرمان غدیر است، به صورت جهانی و در عالی‌ترین سطح خودش تحقق پیدا خواهد کرد که همان بهشتی است که وعده‌اش را داده‌اند.

فاطمه، آشکارکننده‌ی حقیقت ولایت علی

وجود مقدس حضرت امام هادی (علیه‌السلام) وقتی زیارت غدیریه را در روز عید غدیر خطاب به امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) خواند، در پایان ماجرا گفت آنچه خیلی شگفت‌انگیز است آن است که با فاطمه (سلام‌الله‌علیها) چه کردند. یک باره حضرت، مسئله را محضر حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) می‌آورد که نشان می‌دهد فقط از طریق فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) می‌توان حقیقت ولایت الهی و گوهر فلسفه‌ی سیاسی اسلام و جان‌مایه‌ی ولایت علوی را فهمید. با فاطمه می‌توان فهمید علی و ولایت علوی و غدیر چیست. کسی که به‌تنهایی ایستاد و دفاع کرد و به میدان آمد، فاطمه بود تا به عالم و

همه‌ی فرزندان خود در تاریخ بگوید که راه فقط همین است.

خدا را به حق و حقیقت حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) قسم می‌دهم همه‌ی ما را در دنیا و آخرت، در سایه‌سار ولایت امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) قرار دهد. رهبر و نظام غدیری و علوی ما را در کنف حمایت خود حفظ کند و آفت‌ها را به دشمنان ما منتقل کند. دوستان امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) را در سراسر عالم تأیید کند و به همه‌ی ما در این صراط مستقیم ثبات‌قدم عنایت فرماید.

منابع و مآخذ

[۱]. مائده: ۳.

[۲]. همان: ۲.

[۳]. ر.ک: علامه امینی، الغدیر، ج۲، ص۱۱۵.

[٤]. بقره: ۱۷۷.

[۵]. همان.

[٦]. انسان (دهر): ۸.

[۷]. آل عمران: ۹۲.

[۸]. بقره: ۱۸۹.

[۹]. حسن بن فضل طبرسی، مکارم الأخلاق، ج۱، ص۲۲۲.

[۱۰]. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج۳، ص۱۲٦.

[۱۱]. أنعام: ۱۵۳.

[۱۲]. مائده: ۲.

[۱۳]. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

[۱٤]. مائده: ۳.

افـــق‌ها؛ درنگی بر مسئلهٔ تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

۲ شنبه‌ها

از ساعت ۱۸ الی ۱۹:۳۰

(۶ ماه اول سال)

تهران، خیابان سرچشمه

مجتمع فرهنگی شهدای هفتم تیر